

تبیین برهم کنش سطوح خرد و کلان امنیت در کشور

سعید گودرزی^۱

محمدجواد زاهدی^۲

علی ربیعی^۳

اسداله نقدی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۱۰

چکیده

امنیت دارای دو بعد ذهنی (احساس امنیت) و عینی است. یکی از پیش شرط‌های احساس امنیت در جامعه، وجود امنیت عینی است. این سطوح با هم در ارتباطند و از برهم کنش این دو سطح است که امنیت در جامعه حاصل می‌شود. در این مقاله، به تبیین برهم کنش سطوح خرد و کلان امنیت در کشور پرداخته می‌شود. در بررسی احساس امنیت، سطح تحلیل، خرد و واحد تحلیل، فرد و در بررسی امنیت استان‌ها، سطح تحلیل، کلان و واحد تحلیل، استان است. جامعه آماری تحقیق در سطح خرد، افراد ۱۵ سال به بالای پنج استان تهران، اصفهان، کردستان، لرستان و خوزستان هستند که ۱۹۲۰ نفر از آنان به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای انتخاب استان‌ها، ابتدا استان‌های کشور با توجه به میزان امنیتشان به چهار خوشه تقسیم و سپس به روش تصادفی ساده، پنج استان از بین خوشه‌ها انتخاب شدند. روش پژوهش در سطح خرد، پیمایشی مقطعی و در سطح کلان، تحلیل ثانویه است. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان احساس امنیت پاسخگویان، متوسط روبه پایین (۲/۹۰) از دامنه ۱/۱۴ - ۴/۷۴) است. همچنین براساس یافته‌ها، بین متغیرهای امنیت، مذهب، قومیت، منطقه جغرافیایی، جنس، وضعیت تأهل، سن و تحصیلات با متغیر احساس امنیت رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به نتایج رگرسیون چندگانه، تمامی متغیرهای مستقل به جز چهار متغیر مستقل امنیت، منطقه جغرافیایی، مذهب و سن، به دلیل داشتن واریانس مشترک از معادله رگرسیون خارج می‌شوند. این متغیرها در مجموع، ۰/۰۹۳ از واریانس احساس امنیت را تبیین می‌کنند. از نظر امنیت در سطح کلان، به ترتیب استان‌های تهران (۰/۵۶۴)، اصفهان (۰/۴۴۰)، کردستان (۰/۴۲۲)، لرستان (۰/۴۰۳) و خوزستان (۰/۳۹۳) دارای میانگین امنیت بیشتری هستند. استان‌های مرزی با میانگین ۰/۴۰، در مقایسه با استان‌های غیرمرزی با میانگین امنیت ۰/۴۶ در سطح کلان، امنیت کمتری دارند. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت احساس امنیت، ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونشان و امکاناتی است که ساختار نظام اجتماعی (سطح عینی و کلان امنیت) در اختیارشان می‌گذارد. احساس امنیت، نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان جامعه در شکل‌گیری آن سهیم‌اند. امنیت در سطح خرد نیز بازتاب‌هایی برای امنیت در سطح کلان دارد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، قومیت، مذهب.

^۱ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، sgoodarzi1355@yahoo.com

^۲ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، m_zahedi@pnu.ac.ir

^۳ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، alirabiee@pnu.ac.ir

^۴ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان، naghdi@basu.ac.ir

مقدمه

یکی از اولویت‌های کشورهای در اداره امور داخلی خود، برقراری نظم و امنیت است. امنیت از ریشه لاتین *secures* به معنای «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضامن» است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴)؛ بنابراین، باید نتیجه گرفت که امنیت دارای دو عنصر اساسی تهدید و فرصت است و برقراری امنیت، منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸). امنیت دارای ابعاد متنوعی شامل ذهنی^۱ (احساس امنیت) و عینی^۲، داخلی^۳ و خارجی^۴، فردی و جمعی است. از لحاظ گستره نیز شامل حیطه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی است و از جنبه سطح به سطوح خرد و کلان تقسیم می‌شود.

احساس امنیت، در فضای امنیت عینی ایجاد می‌شود و افزایش احساس امنیت، موکول به ارتقای پایدار امنیت است؛ بنابراین، احساس امنیت در بستر امنیت شکل می‌گیرد و حاصل کارآمدی نظام اجتماعی تلقی می‌شود. اگرچه امنیت و احساس امنیت با هم ارتباط دارند، لزوماً یکسان نیستند. بعد ذهنی امنیت تا حد زیادی تابع بعد عینی آن است، اما ممکن است در میزان شدت و ضعف با آن متفاوت باشد. اسپنیر (۲۰۰۸) معتقد است که امنیت هم احساس است و هم واقعیت، ولی این دو یکسان نیستند. او امنیت را نوعی برآورد^۵ می‌داند؛ برای مثال، احساس امنیت در کشوری مانند انگلیس بالاست؛ در صورتی که آمار جرم در آن زیاد است و کشوری ناامن به‌شمار می‌رود. مطابق اظهارنظرها و پژوهش‌های دهه‌های اخیر، در مقایسه با بسیاری کشورها، شاخص‌های امنیت عینی در ایران قابل قبول است، ولی به‌همان اندازه مردم احساس امنیت ندارند (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). به سخن دیگر، اگرچه امنیت واقعی در جامعه ایران در مقایسه با سایر جوامع، شایان توجه است، اما احساس ناامنی در ایران بالاست (بیات، ۱۳۸۸؛ نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸). اسپنیر علت اصلی فاصله گرفتن احساس امنیت از واقعیت آن را در دریافت ریسک می‌داند. از این‌رو، احساس امنیت را واکنشی روانی درمقابل ریسک می‌داند. او معتقد است انسان می‌تواند احساس امنیت داشته باشد، اما در واقعیت در

1. Subjective
2. Objective
3. Internal
4. External
5. Trade - Off

شرایط ایمنی نباشد و به‌عکس، فرد در واقعیت در شرایط ایمن باشد، ولی احساس امنیت نداشته باشد. درعین‌حال، یکی نبودن امنیت عینی و ذهنی، به‌معنای بی‌ارتباط بودن آن‌ها با یکدیگر نیست (اسچنیر، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، باید گفت که در جامعه انسانی نمی‌توان وجوه عینیت و ذهنیت را از هم متمایز کرد؛ بلکه با آمیختگی مناسب عینیت و ذهنیت، می‌توان آرامش را فراهم ساخت و با فهم برهم‌کنش آن‌ها جریان امور را بازنمایی کرد.

از آنجاکه میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی، یکی از شاخص‌های مهم در ناامنی محسوب می‌شود، هرچه میزان جرم، جنایت و آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه افزایش یابد، احساس امنیت در آن کاهش می‌یابد؛ بنابراین، می‌توان گفت یکی از پیش‌شرط‌های احساس امنیت در جامعه، وجود امنیت است. اگر توجه خود را معطوف به مقایسه استان‌های کشور کنیم، درمی‌یابیم که وضعیت استان‌های مختلف کشور از حیث امنیت و احساس امنیت، به‌طرز چشمگیری متفاوت‌اند. درحقیقت، مهم‌ترین تمایز بین استان‌ها نه از حیث وجود یا نبود امنیت و احساس امنیت، بلکه از میزان آن مایه می‌گیرد. همین تفاوت‌های مشهود میان استان‌ها از لحاظ امنیت و احساس امنیت است که انگیزه اصلی پژوهش را فراهم کرد که در این زمینه به‌مثابه یک مسئله جامعه‌شناختی نیازمند تبیین نظری است؛ بنابراین، مسئله اصلی تحقیق این است که امنیت در سطح کلان استانی و احساس امنیت در سطح خرد، چه تأثیرهای متقابلی برهم دارند. به سخن دیگر، مسئله پایه‌ای پژوهش، رابطه میان بعد ذهنی امنیت (سطح خرد فردی) و بعد عینی آن (سطح کلان استانی) و برهم‌کنش میان این دو بعد است. مردم امنیت را برساخت می‌کنند، اما در این فرایند، مطابق مقدمات و امکاناتی که ساختار نظام اجتماعی در اختیارشان می‌گذارد (سطح عینی و کلان امنیت) عمل می‌کنند. احساس، محصول کنش متقابل اجتماعی است و از درون تعامل‌های متقابل افراد، گروه‌ها و نهادها متجلی می‌شود و در بستر جامعه معنا و مفهوم می‌یابد. به بیان دیگر، احساس درواقع، نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای جامعه در شکل‌گیری آن سهیم‌اند. همچنین، امنیت در بعد ذهنی، پیامدهایی برای امنیت در سطح کلان جامعه دارد؛ به‌ویژه هنگامی که متغیرهایی مانند مذهب، قومیت و... در این فرایند مداخله داشته باشند.

پیشینه تجربی پژوهش

ادبیات امنیت به دو گروه تقسیم می‌شود: گروه اول، شامل ادبیات غرب است که مرجع امنیت را گروه‌های اجتماعی به‌ویژه اقلیت‌های قومی قرار داده است. گروه دوم، پژوهش‌ها و مقاله‌های ایران است که ناظر به امنیت ملی یا بعد ذهنی امنیت و عوامل مؤثر بر آن در سطح خرد است. در این منابع، به وجه اجتماعی امنیت کمتر اشاره شده است. در این پژوهش‌ها، به انگیزه‌های گروهی و دغدغه‌های منتهی به ناامنی توجه نشده و فقط به انگیزه‌های فردی و تجلی‌های ذهنی پرداخته شده است. تعدادی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه امنیت در اینجا مرور می‌شوند. در پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹) در ۲۸ مرکز استان، یافته‌ها نشان داد احساس امنیت در زنان بیشتر از مردان، در افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد، در افراد شاغل بیشتر از بیکاران و در افراد با تحصیلات پایین، بیشتر از افراد تحصیل‌کرده است. یافته‌های طرح مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان ۸ شهر کشور» بیانگر آن است که احساس امنیت عمومی در جامعه آماری اندک است؛ زیرا در این نظرسنجی، ۵۸ درصد شهروندان احساس امنیت اندکی داشته‌اند. همچنین تحصیلات و احساس امنیت، رابطه معکوس معناداری داشته‌اند.

یافته‌های پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) در ۲۸ مرکز استان، تفاوت‌های معناداری را در ابعاد مختلف احساس امنیت زنان و مردان نشان داد. براساس نتایج، احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان اندک است. ۲/۲۸ درصد از پاسخگویان احساس امنیت جانی پایین و ۲/۳۴ درصد احساس امنیت پایین برای حفظ اموال خود داشته‌اند، ۳۰ درصد گفته‌اند نگران از دست‌دادن کار خود هستند و ۸/۵۴ درصد اعلام کرده‌اند در صورت ازدست‌دادن شغلشان، شانس زیادی برای به‌دست‌آوردن شغل مناسب دیگری ندارند.

براساس یافته‌های پژوهش مدیری (۱۳۸۵)، بین جرم (یکی از شاخص‌های امنیت) و احساس امنیت رابطه وجود دارد. مرکز افکارسنجی اداره کل مطالعات اجتماعی ناجا (۱۳۸۵) به‌منظور سنجش میزان احساس امنیت شهروندان کشور، از شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مراکز استان‌ها با حجم نمونه ۹۱۵۶ نفر نظرسنجی کرده است. براساس نتایج، میانگین میزان ناامنی در کشور ۳/۵۶ درصد است. پژوهش بیات (۱۳۸۷) نشان داد که میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت، محل سکونت، وضعیت تأهل و سن پاسخگویان متفاوت است. همچنین میان احساس ناامنی و میزان بروز جرم رابطه وجود دارد.

در پژوهش قدرتی و همکاران (۱۳۸۸)، میانگین نمره امنیت پاسخگویان ۱۰/۵۳ (از حداقل نمره ۵ و حداکثر ۲۰) است. در این تحقیق، رابطه متغیرهای تحصیلات و جنسیت با امنیت اجتماعی معنادار است، اما رابطه میان متغیر وضعیت تأهل و احساس امنیت، معنادار نیست. مطابق یافته‌های پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۸۹)، بین تحصیلات و جنس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد، اما بین وضعیت تأهل با احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای دیده نمی‌شود.

در پژوهش هاشمیان‌فر و کشاورز (۱۳۹۱)، سن، جنس و تحصیلات با احساس امنیت اجتماعی دارای رابطه بوده است. در تحقیق ضربابی و همکاران (۱۳۹۱)، احساس امنیت پاسخگویان اندک است. همچنین بین جنس، وضعیت تأهل و تحصیلات با احساس امنیت رابطه وجود دارد، ولی بین سن با احساس امنیت ارتباطی دیده نمی‌شود. یافته‌های پژوهش مختاری و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد بین جنس، قومیت و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد، ولی بین سن و وضعیت تأهل با احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای دیده نمی‌شود. همچنین یافته‌ها نشان داد که احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان در سطح پایینی قرار دارد.

مطابق یافته‌های پژوهش طاهری و ربانی (۱۳۹۱)، احساس امنیت با متغیرهای جنس، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و محل سکونت ارتباط دارد. یافته‌های تحقیق حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱) بیانگر ارتباط متغیرهای محل سکونت، وضعیت تأهل و سن با احساس امنیت است. این تحقیق همچنین نشان داد که بین متغیرهای جنس و احساس امنیت، رابطه‌ای وجود ندارد. یافته‌های ویل و مک‌گرا^۱ (۱۹۹۵) نشان داد که زنان در مقایسه با مردان و سالمندان در مقایسه با جوانان میزان بیشتری از جرم را ابراز داشتند. همچنین افراد طبقه پایین، اقلیت‌ها و بیکاران، احساس ناامنی بیشتری داشتند و این احساس ناامنی، بیشتر به دلیل نگرانی آن‌ها از کافی نبودن اقدام‌ها در راستای حمایت و محافظت از آن‌ها بود.

براساس یافته‌های کیللیاس و کلرسی (۲۰۰۰)، احساس ناامنی با آسیب‌پذیری فیزیکی، جنسیت، سن و ویژگی‌های محل زندگی رابطه دارد. یافته‌های پژوهش ساترفیلد^۲ و همکاران (۲۰۰۴) بیانگر آن است که تصور آسیب‌پذیری بیشتر و بی‌عدالتی‌های محیطی، پیش‌بینی‌کننده

1. Will & McGrath

2. Satterfield

خوبی برای برآورد احساس ناامنی بیشتر زنان نسبت به مردان است. نتیجه تحقیق لیندستروم^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد افراد مختلف، بیش متفاوتی از مقوله امنیت دارند و احساس امنیت را با توجه به نظام اقتصادی، نظام سلامت و تجربه‌های فردی ناامنی، متغیر می‌دانند و دلهره ناشی از احساس ناامنی را بیشتر از لایه‌های عینی و واقعی ناامنی و وقوع جرم دارند. کاراکاس^۲ و همکاران (۲۰۱۰: ۱۷۴-۱۸۴) در پژوهش خود با نمونه آماری ۶۷۱۳ نفری از شهروندان ترکیه، عوامل مؤثر بر احساس امنیت را تبیین کردند. نتایج نشان داد بین احساس امنیت با متغیرهای جنس، سن و تحصیلات رابطه وجود دارد. اکامک^۳ (۲۰۱۲) در تحقیق خود نتیجه گرفت که میزان جرم با میزان احساس امنیت رابطه معکوس دارد.

مبانی و چارچوب نظری

متفکران مکتب کپنهاگ همچون باری بوزان^۴، آل ویور^۵، لمیتر، دوویلد و مولر، به عینی بودن صرف امنیت معتقد نیستند و به دخیل بودن تصورات ذهنی در آن اعتقاد دارند. آن‌ها امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح می‌کنند و اظهار می‌دارند تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به‌طور ذهنی نیز قابل تجربه‌اند. بوزان و ویور معتقدند امنیت کاملاً برساخته تصور آدمیانی است که در اجتماع زندگی می‌کنند. بوزان حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی را شرط تحقق امنیت برای بقا و تداوم جامعه می‌داند. مجری امنیت اجتماعی از نظر او، گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی بزرگ‌اند که در تعامل یا تقابل با دولت ملی هستند (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶۵). به نظر آل ویور، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است (نصری، ۱۳۸۱: ۱۲۶). ادعای وی آن است که باید با رویکردی جامعه‌شناسانه به امنیت نگریست و پس از تحلیل مبانی جامعه‌شناختی امنیت، به تعریف آن همت گماشت (مک‌کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۴۸). ویور حوزه امنیت را برحسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد (روی، ۱۹۹۶: ۱۱). به عقیده مولر (۲۰۰۰: ۱۰)، امنیت اجتماعی، موضوع هویت ایمن^۶ برای گروه‌های اجتماعی مانند ملت‌ها، گروه‌های قومی و مذهبی به‌شمار می‌آید.

1. Lindstrom

2. Karakus

3. Akçomak

4. Barry Buzan

5. Ole Weaver

6. Secured Identity

براساس نظریهٔ نیاز انسانی، احساس امنیت زمانی حاصل می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود؛ وگرنه انسان با ناامنی روبه‌رو می‌شود (چسمن و کتل، ۱۹۹۰: ۱۶۰-۱۷۵). همچنین احساس امنیت منحصربه‌فرد نیست؛ بلکه شامل صیانت و حراست از زندگی مردم و حفاظت از جان و مال و تمامی شئون زندگی انسان در برابر خطرهایی است که آسودگی را از آن‌ها سلب می‌کند و ترس و بی‌اعتمادی را جایگزین می‌کند. این نظریه، بر اهمیت دو متغیر سن و جنس تأکید دارد.

نظریهٔ آسیب‌پذیری^۱ دربرگیرندهٔ ویژگی‌های شخصی است که دربارهٔ درک مفهوم خطر، جدیت رویدادها و حوادث و نداشتن کنترل شخصی بحث می‌کند (مک کری^۲ و همکاران، ۲۰۰۵: ۹). این نظریه، برداشت و ادراک افراد از میزان آسیب‌پذیری در برابر قربانی شدن را عامل اصلی در نظر می‌گیرد و معتقد است افرادی که خود را آسیب‌پذیرتر از دیگران تصور می‌کنند، احساس ناامنی بیشتری دارند (فرگوسون و میندل، ۲۰۰۷). استانکو (۱۹۹۲: ۱۲۷) معتقد است احساس ناامنی در زنان، سه‌برابر مردان است. این نظریه، عواملی مانند جنسیت، سن، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، فقر، وضعیت تأهل، وابستگی مذهبی، شرایط زندگی، زندگی تنها یا با دیگران و... را در میزان آسیب‌پذیری مهم می‌داند.

رویکرد تجربهٔ جرم، احساس ناامنی را محصول مواجههٔ شخص با جرم یا مطلع شدن از طریق شنیده‌ها، تماس با دیگران یا رسانه‌های جمعی می‌داند. براساس این رویکرد، جرم از طریق تجربهٔ مستقیم یا غیرمستقیم، بر احساس امنیت تأثیر می‌گذارد و هرچه تجربه یا احتمال بزه‌دیدگی بیشتر باشد، احساس ناامنی بیشتر است. همچنین سطح احساس ناامنی در جامعه را معلول سطح فعالیت مجرمانه در جامعه می‌دانند (بوئر، ۲۰۰۳).

طرفداران برساخت‌گرایی، به برساخت و پرداخت اجتماعی آگاهی و شناخت توجه می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها، امنیت به‌مثابهٔ گفتمانی است که در آن، وضعیت ناامنی ساخته و پرداخته شده است؛ نه اینکه واقعیتی طبیعی باشد؛ یعنی برای مطالعهٔ امنیت، باید فرایندهای شناخت-که از طریق آن‌ها افراد، مجموعه‌ها و تهدیدها به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی ساخته می‌شوند- و همچنین اثر این برساخت‌ها را بر دغدغه‌های امنیتی دنبال کرد. برساخت‌گرایان، مرجع واحدی

1. Vulnerability

2. McCrea

را برای امنیت مشخص نمی‌کنند. در نتیجه، دولت را الزاماً مرجع امنیت نمی‌دانند (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

از دید تالکوت پارسونز^۱، امنیت اجتماعی با حفظ و ادامه توانایی نهادهای جامعه برای انجام وظایف کارکردی‌شان فراهم می‌شود. حفظ نظم و امنیت اجتماعی در نظریه پارسونز، مبتنی بر دو عنصر اجتماعی کردن و ابزار درونی کنترل و نظارت اجتماعی و ابزار بیرونی کنترل است. در نظریه پارسونز، یکی از عوامل عمده افزایش ناهنجاری که مخل امنیت جامعه است، بیکاری و میزان افزایش آن، ناامنی شغلی و نبود اطمینان از تأمین مخارج زندگی است (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۴۷). پارسونز برای علقه امنیت، چهار بعد اساسی قائل است: امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری و امنیت جمعی (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۶-۷۷).

نظریه آنومی رابرت مرتون^۲، تأثیر ساخت‌های هنجاری را بر افراد تبیین می‌کند. به نظر وی، دو عنصر مهم در ساختار اجتماعی، هدف‌های مقبول اجتماعی و شیوه‌های دستیابی به این هدف‌هاست که جامعه در اختیار فرد قرار می‌دهد. وی معتقد است مقادیر انحراف و ناامنی را می‌توان از طریق بررسی ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه به دست آورد (بزرگارد و کوکران، ۲۰۰۸: ۳۱). به نظر او، آنومی و بعضی از اشکال رفتارهای نابهنجار، ناشی از جدایی بین هدف‌های نهادی شده فرهنگی یک جامعه و راه‌های ساخته شده اجتماعی برای رسیدن به آن‌هاست (گارفیلد، ۱۹۸۷: ۳۸۳)؛ بنابراین، مرتون ناامنی در جامعه را مساوی با بی‌نظمی اجتماعی و بروز رفتارهای انحرافی قلمداد می‌کند و این حالت را ناشی از شکاف بین هدف‌ها و هنجارهای فرهنگی و ظرفیت‌های ساختار اجتماعی برای نیل به موفقیت می‌داند.

از نظر گیدنز (۱۳۷۷: ۴۴)، امنیت موقعیتی است که در آن، با خطرها مقابله شده است یا خطرها به حداقل رسانده شده‌اند. تجربه امنیت به تعادل، اعتماد و مخاطره بستگی دارد؛ بنابراین، گیدنز مصونیت در برابر خطرها را امنیت می‌داند. در نظر وی، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر حداقل است و به عکس، زمانی که با خطر دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است. گیدنز امنیت وجودی را یکی از صور مهم احساس امنیت تلقی می‌کند و معتقد است که این اصطلاح به اطمینانی راجع است که بیشتر اشخاص به تداوم هویت و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در

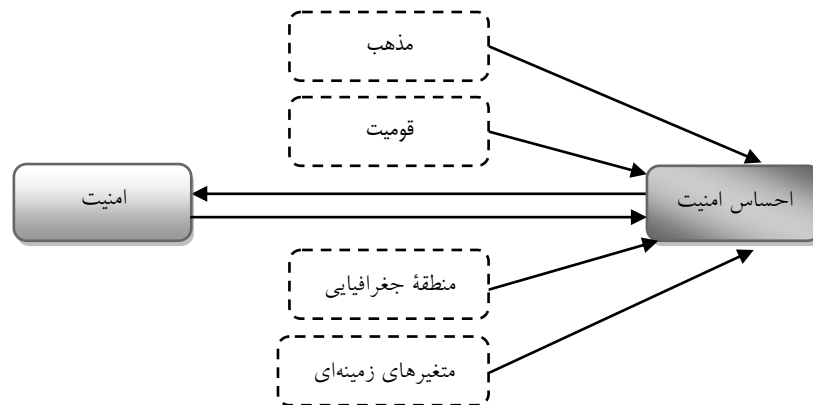
1. Parsons

2. Robert Merton

اطراف خود دارند. از این نظر، این امنیت پدیده‌ای عاطفی است (همان: ۱۴۸). گیدنز در پاسخ به این پرسش که امنیت وجودی چگونه حاصل می‌شود، بحث اعتماد بنیادین را مطرح می‌کند. اندیشمندان مختلفی از جمله پاتنام^۱، فوکویاما^۲، کلمن و بوردیو^۳، سرمایه اجتماعی را عامل مهمی در ایجاد احساس امنیت و امنیت در جامعه می‌دانند. بوردیو سرمایه را به چهار دسته اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نمادین تقسیم می‌کند و معتقد است شکل‌های گوناگون سرمایه، قابل تبدیل به یکدیگرند. او به بررسی سازوکارهایی علاقه‌مند است که در آن‌ها، سرمایه اقتصادی با شکل‌های دیگر سرمایه برای ایجاد و بازتولید نابرابری ترکیب می‌شود. به اعتقاد او، تولید نابرابری، زمینه بروز و تجلی احساس ناامنی را فراهم می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۲۸۰). او انواع سرمایه را منبع امنیت می‌داند و نبود سرمایه را مساوی با ناامنی می‌شناسد؛ زیرا سرمایه، قدرت به‌بار می‌آورد، افراد را از خطرها مصون می‌کند، حمایت و پشتیبانی می‌کند و دستیابی به انتظارات را فراهم می‌سازد.

مدل پژوهش

متغیر وابسته و مستقل مدل پژوهش، همراه با متغیرهای تعدیل‌کننده در شکل ۱ ارائه می‌شود:



شکل ۱. مدل پژوهش

1. Putnam
2. Fokuyama
3. Bourdieu

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

۱. امنیت و احساس امنیت، بر یکدیگر تأثیر متقابل مثبت دارند.

فرضیه‌های فرعی

۱. امنیت عینی (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و احساس امنیت اجتماعی تأثیر متقابل دارند.

۲. امنیت عینی (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و احساس امنیت فرهنگی تأثیر متقابل دارند.

۳. امنیت عینی (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و احساس امنیت اقتصادی تأثیر متقابل دارند.

۴. احساس امنیت برحسب منطقه جغرافیایی (مرزی/ غیرمرزی) محل سکونت متفاوت است.

۵. احساس امنیت برحسب قومیت متفاوت است.

۶. احساس امنیت برحسب مذهب متفاوت است.

تعریف متغیرها

امنیت اجتماعی^۱

امنیت^۲ در سطح کلان عبارت است از میزان رهایی از خطر و تهدید و میزان رفاه و کیفیت زندگی. امنیت اجتماعی از سویی مصونیت نسبی شهروندان از تعرض مجرمان است (جکسون، ۲۰۰۶: ۲۵۴) و از سوی دیگر، آرامش خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می‌کند (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۸). برای عملیاتی کردن این متغیر، از شاخص‌های زیر استفاده شد: ضریب نفوذ بیمه، درصد افراد زیرپوشش بیمه، تعداد تلفن‌های همگانی مشغول به کار، تعداد کارگاه‌های خدمات اینترنتی، وضعیت توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات، درصد مسکن بادوام، درصد شهرنشینی، تعداد تصادف‌ها، مصدومان و متوفی‌های ناشی از آنها، ضریب شیوع حوادث ناشی از کار، تعداد پاسگاه انتظامی، پلیس راه و کلانتری، تعداد پایگاه‌های اورژانس و هلال احمر،

^۱. Societal Security

^۲. منظور از امنیت، وجود نموده‌های عینی معرف امنیت در سطح کلان جامعه یعنی امنیت به‌مثابه ابژه و منظور از احساس امنیت، امنیت در سطح خرد یا امنیت از منظر سوژه است.

تعداد ایستگاه آتش‌نشانی، طول خط راه‌آهن، طول جاده، تعداد وسایل نقلیه عمومی درون‌شهری، تعداد مراکز رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی، نسبت طلاق به ازدواج، تعداد پرونده‌های قتل، ضرب و جرح و صدمه، تظاهر به چاقوکشی، مرگ‌های مشکوک، خودکشی، آتش‌سوزی عمدی و تعداد دستگیرشدگان برای مواد مخدر.

احساس امنیت اجتماعی

احساس ناامنی، شاکله‌ای است که شامل انواع مختلف تهدیدها می‌شود (فرارو و گرنگ، ۱۹۸۷). احساس امنیت اجتماعی، به واکنش احساسی ایجادشده در برابر جرائم اجتماعی یا نمادهای مربوط به آن اشاره دارد (گابریل و گرو، ۲۰۰۳). این متغیر با گویه‌های زیر عملیاتی شد: درگیری‌های خیابانی در جامعه، ترس از تنها قدم‌زدن در مسیر خلوت و کم‌نور، ترس از ضرب و شتم در خیابان، خطرناک‌بودن تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در شب، اجتناب از قبول خوراکی از افراد ناشناس، پرهیز از دوستی با افراد غریبه، هراس از سوارکردن افراد غریبه در ماشین، ترس از تنها قدم‌زدن در شب، نگرانی از تنها بیرون‌رفتن اعضای خانواده، زیادشدن حمل سلاح سرد توسط مردم، خرید و فروش علنی مواد مخدر در پارک‌ها و معابر عمومی، ترس از کمک به سرنشینان ماشینی که شب کنار جاده خراب شده است، خطرناک‌بودن تردد بانوان و کودکان در ساعت‌های پایانی شب و مزاحمت اراذل و اوباش.

امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی عبارت است از ایجاد وضعیتی مطمئن، آرامش‌بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... به سخن دیگر، مصونیت فرهنگ فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید را امنیت فرهنگی می‌نامند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۵۶). برای عملیاتی‌کردن این متغیر، از شاخص‌های زیر استفاده شد: میزان باسوادی، نسبت تعداد دانش‌آموزان به کلاس، آموزشگاه، معلم و کارکنان دفتری و اداری، نسبت تعداد دانشجویان به کادر هیئت علمی و غیرهیئت علمی، تعداد تماشاگر فیلم سینمایی، تئاتر و موسیقی، تعداد بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب، تعداد اعضای مراکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تعداد اعضای کتابخانه‌ها، تعداد عناوین کتاب‌های منتشرشده تألیفی و ترجمه‌ای، تعداد مطبوعات درون‌شهری، تعداد اجرای

برنامه‌های تئاتر و موسیقی، تعداد دستگیرشدگان در زمینه بدحجابی، ایجاد مزاحمت، زنان خیابانی، خانه‌های فساد، روابط نامشروع، قمار و تجاوز به عنف.

احساس امنیت فرهنگی

احساس امنیت فرهنگی، نداشتن احساس ترس از حمله‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله یا نابودی قرار می‌دهند. احساس امنیت فرهنگی، با گویه‌های زیر عملیاتی شد: میزان اعتقاد به زیاد شدن مزاحمت و تعرض به زنان و دختران در جامعه، زیاد شدن روابط غیرمتعارف جنسی دختران و پسران، افزایش نگرانی از انتشار اطلاعات و عکس‌های خصوصی، زیاد شدن مزاحمان به نوامیس مردم، توزیع و فروش علنی محصولات غیراخلاقی، زیاد شدن زادوولدهای خارج از چارچوب ازدواج، پوشش نامناسب ظاهری زنان و دختران، رواج دروغ‌گویی، رواج فیلم‌های مبلغ فرهنگ غربی در تلویزیون، نگرانی خانم‌ها از وجود دوربین مخفی در اتاق پرو مغازه‌ها، هشدار دادن به اعضای خانواده در مورد فیلمبرداری از آن‌ها در مجالس عروسی، زیاد شدن رفتارهای خلاف ارزش‌های مذهبی، افزایش چشم‌چرانی در جامعه، بی‌توجهی به میراث فرهنگی، نگرانی از بابت مزاحمت برای خانواده و سالم‌نبودن فضاها از مجازی از نظر اخلاقی.

امنیت اقتصادی^۱

امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در اجرانشدن تعهدها و مطالبه‌ها و درعین‌حال، حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵). امنیت اقتصادی به معنای توانایی نظام اقتصادی برای حفاظت از مردم در برابر انواع فشارهای خارج از کنترل آن‌هاست (کتابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶). برای عملیاتی کردن این متغیر، از شاخص‌های زیر استفاده شد: میزان تورم یک خانوار، سرانه میزان سپرده‌گذاری مردم در بانک‌ها، میزان بیکاری جمعیت فارغ‌التحصیل دانشگاهی، میزان بیکاری، متوسط درآمد سالیانه یک خانوار، نسبت متوسط هزینه خوراکی و دخانی به کل هزینه‌های یک خانوار (ضریب انگل)، درصد خانوارهای ساکن در واحدهای استیجاری، تعداد مستمری‌بگیران سازمان بهزیستی، تعداد مددجویان کمیته

^۱. Economical Security

امداد امام خمینی، تعداد پرونده‌های شکایت بین کارگران و کارفرمایان، نسبت کارکنان رسمی دولت به کل کارکنان دولت، تعداد سرقت‌ها، تعداد پرونده‌های مربوط به جعل، کلاهبرداری و اختلاس.

احساس امنیت اقتصادی

احساس امنیت اقتصادی عبارت است از میزان آرامش ذهنی و روانی افراد درمورد اینکه در زندگی روزمره، دارایی و اموال آن‌ها در معرض خطر نیست. این متغیر با گویه‌های زیر عملیاتی شد: افزایش مفاسد اقتصادی در جامعه، احتمال از دست‌دادن شغل در هر لحظه، افزایش اختلاس در جامعه، وجود تورم و گرانی، ترس از سرمایه‌گذاری مالی در کارها، خطرناک بودن ترک اتومبیل در خیابان بدون اقدام‌های امنیتی، اجتناب از قبول چک در معامله‌ها، ترس از خالی گذاشتن منزل به مدت چند شبانه‌روز، تضمینی نبودن شغل با وجود داشتن تحصیلات بالا، ترس از سرقت هنگام عبور از خیابان و مسیرهای پر ازدحام، زیاد شدن بیکاری در جامعه، نگرانی هنگام خروج از بانک به همراه پول نقد زیاد، خطرناک بودن گذاشتن ماشین بیرون از پارکینگ خانه در هنگام شب، نگرانی از خالی گذاشتن منزل مسکونی به مدت چند روز، تضمین کاری افراد بعد از استخدام برای مدت ۳۰ سال.

روش پژوهش

در بررسی احساس امنیت، سطح تحلیل پژوهش، خرد و واحد تحلیل، فرد است و در بررسی امنیت استان‌ها، سطح تحلیل، کلان و واحد تحلیل استان است. در سطح کلان، جامعه آماری استان‌های کشور و در سطح خرد، افراد ۱۵ سال به بالای پنج استان تهران، اصفهان، لرستان، کردستان و خوزستان هستند. برای انتخاب استان‌ها، ابتدا استان‌های کشور با توجه به میزان امنیت عینی آن‌ها در سطح کلان به چهار خوشه (جدول ۳) تقسیم شدند و سپس از خوشه اول (امنیت کم) به علت تعداد زیاد استان‌ها، دو استان و سایر خوشه‌ها یک استان به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نمونه‌های پژوهش در سطح خرد، روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۱ است. تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران در هر استان، ۳۸۴ نفر و در مجموع استان‌ها ۱۹۲۰ نفر تعیین شد. رویکرد تحقیق، قیاسی است. پیش‌فرض

^۱. Multistage Cluster Sampling

هستی‌شناختی^۱ تحقیق، واقع‌گرای محتاط و پیش‌فرض معرفت‌شناختی^۲ آن، ابطال‌گرایی است. روش پژوهش در سطح خرد، توصیفی از نوع پیمایشی مقطعی^۳ و در سطح کلان، روش تحلیل ثانویه^۴ است. ابزار گردآوری اطلاعات در سطح خرد، پرسشنامه و در سطح کلان داده است. یکی از نکته‌های مهم در تحلیل ثانویه، کیفیت گردآوری داده‌ها و منابعی است که توسط پژوهشگران اولیه تولید شده‌اند و در این روش مبنای تحلیل قرار می‌گیرند. سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان ثبت احوال، کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی، بانک مرکزی، بیمه مرکزی، نیروی انتظامی و قوه قضاییه (آمار جرائم) به‌عنوان منابع تولید داده‌های این تحقیق، بر اهمیت و اعتبار داده‌های تحقیق می‌افزایند. در این تحقیق، در سطح خرد، برای تأمین روایی درونی پرسشنامه، از روایی محتوایی استفاده شد. برای تأمین روایی محتوایی پرسشنامه، پرسش‌های پرسشنامه پس از تدوین، در اختیار استادان راهنما و مشاور و متخصصان قرار گرفت و از نظرهای آن‌ها استفاده شد. برای تأمین روایی بیرونی تحقیق هم نسبت حجم نمونه، متناسب با حجم جامعه انتخاب شد. برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه با یک آزمون مقدماتی، ۵۰ پرسشنامه از سوی تعدادی از نمونه‌ها به‌طور تصادفی تکمیل شدند. پس از اتمام کار جمع‌آوری اطلاعات آزمون مقدماتی، به بررسی پایایی سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پرداخته شد که نتایج آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود:

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ پرسش‌های متغیر وابسته احساس امنیت و ابعاد آن

تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۱۵	۰/۸۰
۱۸	۰/۹۱
۱۵	۰/۹۰
۴۸	۰/۹۳

هریک از متغیرهای کمی در سازه امنیت، مقیاس اندازه‌گیری ویژه‌ای دارند؛ بنابراین، برای یکسان‌سازی مقیاس آن‌ها، از روش بی‌مقیاس‌سازی^۶ به شکل بی‌مقیاس‌سازی خطی استفاده شد.

1. Ontology

2. Epistemology

3. Cross Sectional Survey

4. Secondary Analysis

۵. داده‌های سطح خرد تجمیع (Aggregate) و در سطح کلان به‌کار گرفته شد.

6. Scale less

پس از رفع اختلاف مقیاس بین متغیرها، برای وزن‌دهی به متغیرهای پژوهش، از روش تحلیل عاملی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

۴۵/۳ درصد پاسخگویان، زن و ۵۴/۷ درصد مرد هستند. ۳۳/۹ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۶/۱ درصد متأهل‌اند. همچنین ۳۳/۳ درصد پاسخگویان، بین ۱۵ تا ۲۹ سال دارند. این درحالی است که ۲۵/۴ درصد ۳۰-۳۹ سال، ۲۵ درصد ۴۰-۴۹ سال، ۱۱/۶ درصد ۵۰-۵۹ سال، ۳/۴ درصد ۶۰-۶۹ سال و ۱/۳ درصد ۷۰-۷۹ سال دارند. میانگین سن پاسخگویان نیز ۳۷/۲۸ سال است. ۱/۳ درصد پاسخگویان بی‌سوادند؛ درحالی‌که ۴/۷ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱/۶ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۶۱/۳ درصد دارای تحصیلات متوسطه و ۲۱/۱ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند. میانگین تحصیلات پاسخگویان نیز ۱۱/۶۸ کلاس است. محل سکونت ۴۳/۱ درصد پاسخگویان، استان‌های مرزی است و ۵۶/۹ درصد آن‌ها در استان‌های غیرمرزی سکونت دارند. ۳۶/۹ درصد پاسخگویان فارس‌اند؛ درحالی‌که قومیت ۲۰/۳ درصد کرد، ۲۱ درصد لر، ۱۴/۶ درصد عرب و ۷/۲ درصد ترک است. ۱۷/۴ درصد پاسخگویان سنی و ۸۲/۶ درصد شیعه‌اند. سایر اطلاعات در جدول ۲ ملاحظه می‌شود:

جدول ۲. میزان احساس امنیت پاسخگویان

احساس امنیت						
میانگین	بسیار زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	بسیار کم	
۲/۸۵	۴/۸	۱۸/۸	۴۵/۲	۲۴/۳	۶/۹	اجتماعی
۲/۹۳	۷/۲	۲۰	۳۹/۱	۲۳/۵	۱۰/۲	فرهنگی
۲/۹۱	۷/۸	۲۱/۷	۳۴/۹	۲۲/۴	۱۳/۲	اقتصادی
۲/۹۰	۷/۵	۲۱/۶	۳۸/۸	۲۲/۳	۹/۸	کل

میانگین احساس امنیت پاسخگویان ۲/۹۰ (از دامنه ۱/۱۴-۴/۷۴) است. پاسخگویان دارای بیشترین احساس امنیت، به ترتیب در بعد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی‌اند. زنان (۲/۸۶) در مقایسه با مردان (۲/۹۳)، افراد مجرد (۲/۸۵) در مقایسه با افراد متأهل (۲/۹۳)، ساکنان استان‌های مرزی (۲/۷۰) در مقایسه با ساکنان استان‌های غیرمرزی (۳/۰۵)، افراد سنی (۲/۸۳) در مقایسه

با افراد شیعه (۲/۹۲)، احساس امنیت کمتری داشته‌اند. بیشترین میانگین احساس امنیت، به ترتیب مربوط به اقوام فارس (۳/۱۵)، ترک (۳/۰۳)، کرد (۲/۸۵)، لر (۲/۶۹) و عرب (۲/۵۸) است. در سطح کلان، استان تهران دارای بالاترین میزان امنیت عینی و استان خوزستان دارای کمترین میزان امنیت عینی است. سایر یافته‌ها در جدول ۳ مشاهده می‌شود:

جدول ۳. میزان امنیت استان‌های کشور

بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم
سمنان، تهران،	اصفهان، آذربایجان شرقی،	کردستان، زنجان، کرمان،	خوزستان، آذربایجان غربی،
یزد، قم، ایلام،	فارس، بوشهر،	خراسان شمالی، قزوین،	کرمانشاه، لرستان، خراسان
خراسان	چهارمحال و بختیاری،	مازندران، مرکزی، همدان،	رضوی، هرمزگان، سیستان،
جنوبی	کهگیلویه و بویراحمد	اردبیل	گلستان، گیلان، البرز

از نظر امنیت در سطح کلان، در بین پنج استان نمونه پژوهش به ترتیب استان‌های تهران (۰/۵۶۴)، اصفهان (۰/۴۴۰)، کردستان (۰/۴۲۲)، لرستان (۰/۴۰۳) و خوزستان (۰/۳۹۳) دارای میانگین امنیت بیشتری هستند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند از نظر امنیت اجتماعی به ترتیب، استان‌های تهران (۰/۴۲۵)، لرستان (۰/۴۱۰)، کردستان (۰/۴۰۹)، اصفهان (۰/۳۷۶) و خوزستان (۰/۳۵۵)، از نظر امنیت فرهنگی به ترتیب، استان‌های تهران (۰/۴۵۹)، اصفهان (۰/۴۴۷۳)، کردستان (۰/۴۴۷۱)، لرستان (۰/۴۳۹) و خوزستان (۰/۳۸۴) و از نظر امنیت اقتصادی به ترتیب، استان‌های تهران (۰/۷۳۱)، اصفهان (۰/۴۷۷)، کردستان (۰/۴۷۳)، خوزستان (۰/۴۶۷) و لرستان (۰/۴۲۸) دارای بیشترین امنیت در سطح کلان هستند. همچنین در سطح کلان، استان‌های مرزی (کردستان و خوزستان) با میانگین ۰/۴۰، در مقایسه با استان‌های غیرمرزی (تهران، اصفهان و لرستان) با میانگین امنیت ۰/۴۶ دارای امنیت کمتری هستند. میانگین امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استان‌های مرزی به ترتیب، ۰/۳۸، ۰/۴۱، ۰/۴۷ و میانگین استان‌های غیرمرزی به ترتیب، ۰/۴۰، ۰/۴۴ و ۰/۵۴ است؛ بنابراین، می‌توان گفت استان‌های مرزی در مقایسه با استان‌های غیرمرزی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امنیت، دارای میانگین امنیت کمتری هستند. بیشترین تفاوت استان‌های مرزی و غیرمرزی، مربوط به امنیت اقتصادی است.

یافته‌های استنباطی

یافته‌ها بیانگر آن است که بین سن ($r = 0/059$) و احساس امنیت، رابطه مستقیم و بین تحصیلات ($r = -0/046$) و احساس امنیت، رابطه معکوس معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیر مستقل امنیت و متغیر وابسته احساس امنیت، رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. متغیر امنیت، هفت درصد ($R_{adj}^2 = 0/07$) واریانس احساس امنیت را تبیین می‌کند. سایر یافته‌ها در جدول ۴ ملاحظه می‌شود:

جدول ۴. رگرسیون خطی ساده بین متغیرهای امنیت و احساس امنیت

احساس امنیت اقتصادی	احساس امنیت فرهنگی	احساس امنیت اجتماعی	احساس امنیت	
(0/000) 0/219	(0/000) 0/266	(0/000) 0/263	0/267 (0/000)	امنیت
(0/000) 0/102	(0/001) 0/075	(0/000) 0/087	0/101 (0/000)	امنیت اجتماعی
(0/000) 0/281	(0/000) 0/270	(0/000) 0/249	0/296 (0/000)	امنیت فرهنگی
(0/000) 0/143	(0/000) 0/202	(0/000) 0/206	0/194 (0/000)	امنیت اقتصادی

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهند که بین احساس امنیت پاسخگویان، برحسب جنس، وضعیت تأهل، مذهب و منطقه جغرافیایی محل سکونت تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. آزمون تی استیودنت بین متغیرهای مستقل جنس، وضعیت تأهل، مذهب و منطقه جغرافیایی با

احساس امنیت

نسبت F	t	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	
0/001	-2/007	-0/0676	0/045	جنس
0/276	-2/029	-0/0719	0/043	وضعیت تأهل
9/882	-2/185	-0/0889	0/029	مذهب
2/268	-10/566	-0/3484	0/000	منطقه جغرافیایی

برای بررسی تفاوت احساس امنیت پاسخگویان برحسب قومیت، از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج آن ($F = 48/808$; $Sig = 0/000$) نشان می‌دهد که احساس امنیت بین قومیت‌های مختلف، دارای تفاوتی معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشان می‌دهد

میزان احساس امنیت قوم فارس با کرد، لر و عرب، دارای تفاوت معنادار است. همچنین میزان احساس امنیت کردها با فارسها، لرها و عربها، احساس امنیت لرها با فارسها، کردها و ترکها، احساس امنیت عربها با فارسها، کردها و ترکها و احساس امنیت ترکها با لرها و عربها دارای تفاوت معنادار است.

رگرسیون چندگانه، روشی برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات یک متغیر وابسته است. در این تحقیق، از رگرسیون چندمتغیری به روش گام به گام^۱ استفاده شد. نکته شایان ذکر این است که می توان هر متغیر اسمی دوارزشی را به صورت صفر و یک کدگذاری و با آن مانند متغیر فاصله ای رفتار کرد (دوس، ۱۳۷۶: ۲۳۴)؛ بنابراین، متغیرهای اسمی دومقوله ای جنس، وضعیت تأهل، مذهب، منطقه جغرافیایی محل سکونت، به همراه متغیرهای فاصله ای سن، تحصیلات و امنیت، وارد تحلیل رگرسیون خطی چندگانه شدند که یافته های حاصل از آن در جدول های زیر مشاهده می شود:

جدول ۶. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه احساس امنیت به روش گام به گام

مدل	ضریب پیرسون	ضریب تعیین تعدیل شده	نسبت F	سطح معناداری
۴	۰/۳۰۷	۰/۰۹۳	۴۹/۹۴۹	۰/۰۰۰

جدول ۷. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	T	ضریب استاندارد بتا	ضرایب غیراستاندارد		
			B	خطای معیار	
۰/۰۰۰	۸/۰۴۷	۰/۱۹۷	۰/۱۳۹	۱/۱۲۰	امنیت
۰/۰۰۰	۶/۳۳۶	۰/۱۷۷	۰/۰۴۲	۰/۲۶۳	منطقه جغرافیایی
۰/۰۱۳	۲/۴۹۶	۰/۰۶۳	۰/۰۴۹	۰/۱۲۲	مذهب
۰/۰۱۴	۲/۴۶۰	۰/۰۵۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	سن

بر اساس نتایج، تمام متغیرهای مستقل به جز چهار متغیر مستقل امنیت، منطقه جغرافیایی محل سکونت، مذهب و سن، به دلیل داشتن واریانس مشترک از معادله رگرسیون خارج می شوند و فقط این چهار متغیر مستقل در معادله رگرسیون چندگانه باقی می ماندند. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون چندگانه در مجموع، ۰/۰۹۳ از واریانس احساس امنیت را تبیین می کنند و

^۱. stepwise

باقیمانده واریانس متغیر احساس امنیت با عواملی غیر از آنچه در این تحقیق بررسی شده‌اند، تبیین می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که مهم‌ترین متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته احساس امنیت، متغیر امنیت است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مورد بحث امنیت کلان و برهم‌کنش امنیت در سطوح خرد و کلان، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. بیشتر تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه جامعه‌شناسی در مورد امنیت در سطح خرد (احساس امنیت) بوده است و برهم‌کنش سطوح عینی و ذهنی امنیت، یعنی امنیت عینی و احساس امنیت، از زمینه‌هایی است که در جامعه‌شناسی ایران کمتر به آن توجه شده است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، نقش و اهمیت احساس امنیت در بین افراد جامعه در بعد ذهنی در کنار امنیت در بعد عینی است؛ زیرا کنش‌های فرد در جامعه، به میزان احساس او از امنیت و ناامنی بستگی دارد و مردم در ارتباط با موضوعی ویژه با توجه به معیارهای ذهنی خود، وضعیت یک جامعه را مسئله تلقی می‌کنند یا نمی‌کنند؛ بنابراین، در این مقاله، به تبیین برهم‌کنش سطوح خرد و کلان امنیت در کشور پرداخته شد و رابطه میان بعد ذهنی امنیت، یعنی احساس امنیت با بعد عینی آن و برهم‌کنش میان این دو بعد بررسی شد.

متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت و عناصر تشکیل‌دهنده این مفهوم، در پژوهش‌های مختلف، تأثیرهای گوناگونی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در بعضی از تحقیقات، متغیرهای یکسان بر یک متغیر مشخص، آثار مثبت یا منفی داشته‌اند یا با آن رابطه‌ای نداشته‌اند. این امر به دلایل گوناگون رخ می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به زمان‌های متفاوت اجرای پژوهش، جوامع آماری گوناگون، شیوه‌ها و روش‌های متفاوت عملیاتی کردن مفاهیم و روش‌های نمونه‌گیری اشاره کرد.

مطابق یافته‌ها، احساس امنیت ۲۹/۱ درصد پاسخگویان زیاد یا بسیار زیاد، ۳۸/۸ درصد تا حدودی و ۳۲/۱ درصد کم یا بسیار کم است. احساس امنیت در جامعه آماری پژوهش، در حد متوسط روبه‌پایین است؛ زیرا میانگین احساس امنیت پاسخگویان، ۲/۹۰ (از نمره حداقل ۱/۱۴ و حداکثر ۴/۷۴) است. این توزیع، زنگ خطری برای جامعه محسوب می‌شود. این نتیجه، با نتایج پژوهش مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)،

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) (۱۳۸۵)، قدرتی و همکاران (۱۳۸۸)، ضرابی و همکاران (۱۳۹۱) و مختاری و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان داد بین جنس پاسخگویان و احساس امنیت آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. این یافته، با نظریه نیازهای انسانی، نظریه آسیب‌پذیری گیدنز و پژوهش‌های زیر هم‌راستاست: استانکو (۱۹۹۲)، و یافته‌های پژوهش‌های ویل و مک‌گرا (۱۹۹۵)، فرارو (۱۹۹۶)، کیلیاس و کلسی (۲۰۰۰)، ساترفیلد و همکاران (۲۰۰۴)، مک کری و همکاران (۲۰۰۵)، کاراکاس و همکاران (۲۰۱۰)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹؛ ۱۳۸۲)، بیات (۱۳۸۷)، قدرتی و همکاران (۱۳۸۸)، ایمان و همکاران (۱۳۸۹)، هاشمیان‌فر و کشاورز (۱۳۹۱)، ضرابی و همکاران (۱۳۹۱)، مختاری و همکاران (۱۳۹۱)، طاهری و ربانی (۱۳۹۱). همچنین با یافته‌های پژوهش حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱) مغایر است. میانگین احساس امنیت زنان ۲/۸۶ و میانگین احساس امنیت مردان ۲/۹۳ است. احساس امنیت کلی زنان و همچنین احساس امنیت آنان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کمتر از مردان است. از دلایل کم‌تر بودن احساس امنیت زنان در مقایسه با مردان می‌توان به کم‌تر بودن توان جسمانی آن‌ها در مقایسه با مردان، نگرانی از تجاوز و آزار جنسی، تجربه خشونت خانگی، شیوه اجتماعی شدن زنان - که فرصت‌ها، محدودیت‌ها و اشکال مختلفی از احساس ناامنی را شکل می‌دهند - اشاره کرد. در ایران، فضاهای اجتماعی بیشتر مردانه‌اند و این فضا احساس امنیت را از زنان سلب می‌کند. همچنین به قول بک^۱، در عصر حاضر زنان از تداوم و شدت نابرابری و تبعیض‌های بین دو جنس آگاه‌تر شده‌اند؛ در نتیجه، بیشتر احساس ناامنی می‌کنند (بک، ۱۹۹۸).

مطابق یافته‌های این پژوهش، بین وضعیت تأهل پاسخگویان و احساس امنیت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و متأهل‌ها دارای احساس امنیت بیشتری (۲/۹۳) نسبت به مجردها (۲/۸۵) هستند. این نتیجه، همسو با نظریه آسیب‌پذیری و نتیجه پژوهش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹)، بیات (۱۳۸۷)، ضرابی و همکاران (۱۳۹۱)، طاهری و ربانی (۱۳۹۱) و حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱) و مغایر با نتیجه پژوهش‌های قدرتی و همکاران (۱۳۸۸)، ایمان و همکاران (۱۳۸۹) و مختاری و همکاران (۱۳۹۱) است. احساس امنیت افراد مجرد و همچنین احساس امنیت آن‌ها در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کمتر از افراد متأهل است. افراد

^۱. Beck

متأهل، از حمایت‌های خانوادگی بیشتری برخوردارند و این حمایت‌ها سبب می‌شود احساس امنیت بیشتری در مقایسه با مجردها داشته باشند. زن و شوهر می‌توانند منبع بزرگ حمایتی برای یکدیگر باشند و در حل مشکل‌ها به یکدیگر کمک کنند و حتی اگر قادر نباشند مشکل یکدیگر را حل کنند، می‌توانند منبع آرامش یکدیگر باشند.

یافته‌های این پژوهش، همسو با نظریه نیازهای انسانی و نظریه آسیب‌پذیری و یافته‌های پژوهش‌های فرارو (۱۹۹۵)، ویل و مک‌گرا (۱۹۹۵)، کیلیاس و کلرسی (۲۰۰۰)، کاراکاس و همکاران (۲۰۱۰)، بیات (۱۳۸۷)، هاشمیان‌فر و کشاورز (۱۳۹۱)، طاهری و ربانی (۱۳۹۱) و حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱) و مغایر با یافته‌های ضرابی و همکاران (۱۳۹۱) و مختاری و همکاران (۱۳۹۱)، نشان داد بین سن و احساس امنیت، رابطه وجود دارد. افراد ۶۰-۶۹ ساله، دارای بیشترین احساس امنیت کلی (۳/۰۵) و همچنین بیشترین احساس امنیت در ابعاد فرهنگی (۳/۰۸) و اقتصادی (۳/۰۷) و افراد ۷۰-۷۹ ساله، دارای بیشترین احساس امنیت اجتماعی (۳/۱۱) هستند. درضمن، افراد ۱۵-۲۹ ساله، کمترین میزان احساس امنیت کلی و در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را دارند؛ زیرا سن براساس درآمد، اشتغال و تجربه‌ها و ارزش‌های درونی شده در مقاطع مختلف متفاوت است؛ بنابراین، احساس امنیت فرد نیز در مراحل مختلف سنی متفاوت است. مسن‌ترها در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی، کمتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند و در مقایسه با سایر سنین، احتیاط‌های لازم و بیشتری می‌کنند؛ بنابراین، آسیب‌پذیری آن‌ها نیز کمتر می‌شود. در نتیجه، با کاهش آسیب‌پذیری، احساس امنیت بیشتری می‌کنند. خطر تجاوز به زنان، با بالاتر رفتن سنشان کمتر می‌شود. تبیین دیگر برای افزایش احساس امنیت افراد با افزایش سن این است که هرچه سن افراد بیشتر می‌شود، شناخت بیشتری از محیط اجتماعی حاصل می‌کنند، روابط اجتماعی و شبکه‌های تعاملی بیشتری می‌یابند، از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند و در نتیجه، بیشتر احساس امنیت می‌کنند.

یافته‌ها، همسو با نظریه آسیب‌پذیری و یافته‌های کاراکاس و همکاران (۲۰۱۰)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹)، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰)، قدرتی و همکاران (۱۳۸۸)، ایمان و همکاران (۱۳۸۹)، هاشمیان‌فر و کشاورز (۱۳۹۱)، ضرابی و همکاران (۱۳۹۱) و طاهری و ربانی (۱۳۹۱) نشان داد بین تحصیلات و احساس امنیت، رابطه وجود دارد. همچنین براساس یافته‌ها، با افزایش تحصیلات افراد، احساس امنیت آن‌ها کمتر می‌شود. به ترتیب، افراد دارای تحصیلات ابتدایی، دارای تحصیلات راهنمایی، بی‌سواد، دارای تحصیلات

دیپلم و دارای تحصیلات پیش‌دانشگاهی و در آخر، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، بیشترین احساس امنیت را دارند. در ابعاد اجتماعی و فرهنگی احساس امنیت، به ترتیب افراد دارای تحصیلات ابتدایی، دارای تحصیلات راهنمایی، دارای تحصیلات دیپلم و دارای تحصیلات پیش‌دانشگاهی، بی‌سواد و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، بیشترین احساس امنیت را دارند. همچنین در احساس امنیت اقتصادی، به ترتیب افراد بی‌سواد، دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، دیپلم و پیش‌دانشگاهی و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، بیشترین احساس امنیت را دارند. کم‌تر بودن احساس امنیت افراد تحصیل کرده را می‌توان به سطح آگاهی و اطلاعات بالاتر آن‌ها و موشکافانه‌تر و دقیق‌تر دیدن مسائل توسط آن‌ها نسبت داد. تحصیلات سبب ایجاد شکل‌های جدیدی از نظرها و درک از جهان و اسطوره‌زدایی از پدیده‌های زندگی اجتماعی می‌شود و سرانجام قضاوت‌ها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی را به هنجارهای ویژه‌ای مبدل می‌کند. افرادی که تحصیلات بالاتری دارند، از رسانه‌های جمعی بیشتر استفاده می‌کنند و از اخبار و اطلاعات ناهنجاری‌های منعکس‌شده در این رسانه‌ها بیشتر اطلاع می‌یابند و سطح آگاهی و اطلاعات بیشتری از ماهیت جامعه دارند. در نتیجه، کمتر احساس امنیت می‌کنند. همچنین پایین بودن احساس امنیت در قشر تحصیل‌کرده جامعه، از یک‌سو نتیجه محدودیت‌هایی است که در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای بر آن‌ها اعمال می‌شود و از سوی دیگر، نتیجه بالابودن سطح انتظار قشر تحصیل‌کرده از دولت است؛ بدین معنا که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، بیش از سایر قشرهای اجتماعی، خواهان تأمین آزادی و امنیت از دولت هستند و از این جهت، پایین بودن احساس امنیت را در بین این قشر می‌توان بیانگر بالابودن انتقاد آن‌ها از دولت دانست.

مطابق یافته‌ها، بین منطقه جغرافیایی استان محل سکونت (مرزی/ غیرمرزی) پاسخگویان و احساس امنیت آن‌ها تفاوت وجود دارد. میانگین احساس امنیت ساکنان استان‌های مرزی ۲/۷۰ و میانگین احساس امنیت ساکنان استان‌های غیرمرزی ۳/۰۵ است. همچنین ساکنان استان‌های غیرمرزی، در مقایسه با ساکنان استان‌های مرزی، در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی احساس امنیت بیشتری دارند. این نتیجه، با نظریه آسیب‌پذیری هماهنگ است. مناطق مرزی غرب کشور، به دلیل هشت سال جنگ تحمیلی و ازدست‌رفتن فرصت توسعه و این نگاه به مناطق مرزی که مرزها محل تهدیدند و نباید در این مناطق سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام گیرد، در مقایسه با مناطق داخلی کشور، امنیت کمتری دارند. همچنین دولت در همه سال‌های گذشته، فقط به توسعه کالبدی این نواحی پرداخته است و توسعه سرمایه‌ای که به تولید منجر شود، در این

نواحی انجام نداده است؛ بنابراین، مردم در این مناطق، امنیت و احساس امنیت کمتری دارند. بخشی دیگر از احساس امنیت کمتر مرزنشینان، مربوط به عوامل خارجی و برون‌مرزی است. بین قومیت پاسخگویان و میزان احساس امنیت آن‌ها تفاوت وجود دارد. این نتیجه، با یافته‌ی ویل و مک‌گرا (۱۹۹۵) هماهنگ است. بیشترین میانگین احساس امنیت به ترتیب، مربوط به اقوام فارس (۳/۱۵)، ترک (۳/۰۳)، کرد (۲/۸۵)، لر (۲/۶۹) و سپس عرب (۲/۵۸) است. همچنین فارس‌ها در مقایسه با سایر قومیت‌ها، احساس امنیت بیشتری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند. قومیت‌ها به دلیل اینکه خود را اقلیت محسوب می‌کنند، احساس امنیت کمتری دارند. این وضعیت هنگامی که اقلیت دارای مذهب متفاوت با اکثریت جامعه است، بیشتر می‌شود.

میزان احساس امنیت پاسخگویان، برحسب مذهب تفاوت معناداری دارد و افراد دارای مذهب شیعه در احساس امنیت و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن، نسبت به افراد دارای مذهب سنی، میانگین بالاتری دارند. این نتیجه، با نظریه‌ی آسیب‌پذیری و نظریه‌های مکتب کپنهاگ به‌ویژه بوزان و مولر هماهنگ است.

رابطه‌ی امنیت و احساس امنیت، ۰/۲۶۷ است و متغیر امنیت ۰/۰۷ واریانس احساس امنیت را تبیین می‌کند. این رابطه با نظریه‌های نیازهای انسانی و آسیب‌پذیری، رویکرد تجربه‌ی جرم، نظریه‌های مرتون، بوزان، گیدنز، بوردیو، اسکار نیومن (۱۹۷۳)، اسپنجر (۲۰۰۸) و یافته‌های پژوهش‌های ویل و مک‌گرا (۱۹۹۵)، اکامک (۲۰۱۲)، مدیری (۱۳۸۵) و بیات (۱۳۸۷) هماهنگ است. در توضیح این مسئله باید گفت در هیچ جامعه‌ای، رابطه‌ی امنیت و احساس امنیت، کامل نیست و احساس امنیت فرد ممکن است تا حدی با واقعیت خارجی، یعنی امنیت مطابقت داشته باشد؛ زیرا احساس امنیت، پدیده‌ای احساسی و ادراکی است و در یک جامعه امن نیز افراد جامعه، اعم از غنی و فقیر به‌طور نسبی در معرض تهدیدهای مختلفی، از جمله تهدیدهای طبیعی (مانند زلزله، قحطی و سیل)، تهدیدهای فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدهای اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال و بیکاری)، تهدیدهای حقوقی (زندانی شدن، نبود آزادی بیان)، تهدیدهای موقعیتی (از دست دادن شغل و تنزل رتبه)، تهدیدهای اجتماعی (بی‌اعتمادی، نبود تعهد، ازدست‌دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی) و تهدیدهای فرهنگی (نبود دسترسی به دانش و معرفت و تضعیف الگوی فکری- رفتاری) قرار دارند.

همچنین، امنیت برساختی اجتماعی است که از درون لایه‌های مختلف جامعه و در نتیجه مناسبات مختلف سیاسی-اجتماعی، مفهوم عینی و ذهنی می‌یابد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷). ویور بر آن است که ایده امنیت، برآمده از تعامل‌های اجتماعی و برساخته جامعه است و دگرگونی‌های اخیر در حوزه ارتباطات، دانش، اقتصاد و فرهنگ، فرد را در کنار دولت در مقام کارگزار امنیت مطرح ساخته است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۴۳). در این فرایند، مردم برحسب امکاناتی که ساختار نظام اجتماعی در اختیارشان می‌گذارد (سطح عینی و کلان امنیت)، عمل می‌کنند.

همچنین، احساس امنیت در سطح خرد، تأثیرهای قابل‌تأملی بر امنیت در سطح کلان دارد. یکی از این تأثیرها، کاهش همبستگی اجتماعی در سطح کلان جامعه است. سست شدن وفاق و همبستگی، به تشدید تضادها، ناکارآمدی قواعد اجتماعی، بروز خشونت و مختل شدن بنیان‌های امنیت، افزایش نیاز به برقراری نظم سیاسی و... منجر می‌شود (عسگری، ۱۳۸۱: ۱۰۹). همچنین کاهش احساس امنیت، کنش‌های اقتصادی را در کشور به سمت واسطه‌گری و نبود سرمایه‌گذاری تولیدی و بدون مازاد تولید سوق می‌دهد و نتیجه آن، کاهش مازاد اقتصادی، بحران نظام اقتصادی و عقب‌ماندگی جامعه است. جامعه‌ای که نتواند پیشرفت کند، دچار عقب‌ماندگی می‌شود. در نظام اقتصادی دچار بحران، اشتغال کم و بیکاری زیاد می‌شود، میل به سرمایه‌گذاری تولیدی کم می‌شود و... در نتیجه، امنیت اقتصادی در جامعه کاهش می‌یابد.

از دیگر تأثیرهای کاهش احساس امنیت در جامعه می‌توان به کاهش مشارکت اجتماعی در سطح کلان جامعه اشاره کرد. سطوح پایین مشارکت اجتماعی، موجب تضعیف سازمان اجتماعی و سرمایه اجتماعی می‌شود و افزایش جرم و خشونت را به دنبال دارد (مسنر و روزنفلد، ۱۹۹۷؛ مسنر و همکاران، ۲۰۰۴؛ رز، ۱۹۹۸: ۸).

از تأثیرهای دیگر احساس امنیت کم در جامعه، پنهان‌کاری است. پنهان‌کاری که ابتدا در اقتصاد و با پنهان‌کردن دارایی افراد شروع می‌شود، در مرحله بعد به روابط اجتماعی و سیاسی سرایت می‌کند. بدین معنا که افراد، اعتقادات، باورها، خواسته‌ها و نیز هویت خود را پنهان می‌کنند. پیامد این دوگانگی در کنش افراد، کاهش اعتماد در جامعه است. به اعتقاد ویلسون و دونجز (۲۰۰۰) کاهش احساس امنیت، سبب کاهش کیفیت زندگی به‌عنوان یک بعد امنیت عینی و گسترش سطح بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. کاکس^۱ با تأکید بر عامل اعتماد به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی بیان می‌کند بی‌اعتمادی، رفتار ضداجتماعی، خشونت و سایر مشکل‌های

^۱. Cox

اجتماعی را به‌همراه خواهد داشت (لرنی، ۱۳۸۴: ۶۷). باربارا میستال^۱ نیز در کتاب معروف خود با عنوان «اعتماد در جامعه مدرن»، معتقد است بی‌اعتمادی، میزان ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و منافع عمومی را از بین می‌برد (میستال، ۱۹۹۶: ۴۲). با افزایش جرائم، امنیت در سطح کلان کاهش می‌یابد.

از دیگر تأثیرهای کاهش احساس امنیت می‌توان به تعبیر کاتوزیان به «تضاد دولت-ملت» یا اصطلاح «شکاف سیاسی» به تعبیر هانتینگتون در سطح کلان جامعه اشاره کرد. در صورت کم بودن احساس امنیت، مردم دولت را مقصر می‌دانند. این امر سبب بی‌تفاوتی مردم می‌شود و نتیجه آن، بحران مشروعیت دولت است. در چنین شرایطی، مردم به‌دلیل بی‌تفاوتی، هیچ کمکی به دولت در تأمین امنیت نمی‌کنند و امنیت در جامعه کاهش می‌یابد.

منابع

- افتخاری، اصغر؛ نصری، قدیر؛ میرسندسی، محمد و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشنامه امنیت اجتماعی (مبانی و مسائل امنیت اجتماعی؛ رویکرد ایرانی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایمان محمدتقی؛ مرادی، گلمراد و جلائیان، وجیهه (۱۳۸۹)، «بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر مشهد)»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۴: ۱۱۷-۱۳۹.
- برومند، شهزاد؛ شاه‌حسینی، سمیه؛ امینی، صفی‌ار و فخر حسینی، سید فخرالدین (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دمکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.

^۱. Mitsztal

- بیات، بهرام (۱۳۸۷)، «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی)»، **مطالعات جامعه‌شناختی**، سال ۱۶، شماره ۳۵: ۱۱۵-۱۳۲.
- پوریان، عزت اله (۱۳۸۹)، «مطبوعات، جرائم اجتماعی و احساس امنیت و آگاهی»، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، دوره جدید، شماره ۲۲: ۱۶۳-۱۸۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، **جامعه‌شناسی نظم**، تهران: نشر نی.
- حقیقتیان، منصور؛ صنعت خواه، علی‌رضا؛ معین‌الدینی، جواد و شیرینی امین لو، شیرین (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی (بر اساس تفکیک سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، برون‌گروهی و ارتباطی) و احساس امنیت در شهر تهران»، **فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، شماره ۶: ۳۷-۵۶.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۱)، «مهاجرت نخبگان، پدیده‌های اجتماعی با موضوع امنیت ملی»، تهران: **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۲: ۴۱۱-۴۲۳.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**، تهران: ققنوس.
- ضرابی، اصغر؛ شرفی، زکیه و زنگنه، مهدی (۱۳۹۱)، «سنجش عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان شهر مشهد با تأکید بر عملکرد پلیس و رسانه‌های جمعی»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، شماره ۲: ۱۰۳-۱۲۱.
- طاهری، زهرا و ربانی، رسول (۱۳۹۱)، «بررسی احساس امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر جامعه (مورد مطالعه: شهروندان اصفهان)»، **دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، دوره ۱، شماره ۱: ۹۱-۱۲۲.
- عسگری، محمود (۱۳۸۱)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۶: ۹۳-۱۳۳.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، **سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قدرتی، حسین؛ سردارنیا، خلیل اله، ملتفت، حسین و برشد، عبدالمهدی (۱۳۸۸)، «احساس امنیت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای نظم و قانون (مطالعه موردی شهر مشهد)»، **انتظام اجتماعی**، شماره ۴: ۷-۲۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۴)، **جامعه‌شناسی امنیت**، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- مختاری، مریم؛ بلالی، اسماعیل؛ میرفردی، اصغر و حسینی اخگر، معصومه (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، شماره ۲: ۲۱-۴۰.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهاى عمومی شهر»، **رفاه اجتماعی**، شماره ۲۲: ۱۱-۲۸.
- مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰)، «بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان ۸ شهر کشور»، تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
- مک‌کین، لای، آر. دی و لیتل، آر (۱۳۸۰)، **فرهنگ امنیت جهانی**، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، **درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱)، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت: امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی»، **مجله راهبرد**، شماره ۲۶: ۱۱۲-۱۳۳.
- نوروزی، فیض اله و فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸)، «بررسی احساس امنیت زنان ۲۹-۱۵ ساله در شهر تهران»، **مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران**، ایسپا، شماره ۳: ۵۵-۷۲.
- نویدینا، منیژه (۱۳۸۵)، **تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت**، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۳۱: ۵۳-۷۲.
- نویدینا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**»، شماره ۱۹: ۷۸-۵۵.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹)، «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هاشمیان فر، علی و کشاورز، زهرا (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی گستره احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، شماره ۳: ۳۹-۶۲.
- Akçomak, S. & Ter Weel, B. (2012), «The impact of social capital on crime: evidence from the Netherlands», **regional science and urban economics**, No 42 (1): 323- 340.
- Beck, U. (1998), **Risk Society: Towards a new modernity**, Trans. By: Mark Ritter, London: Sage Publications.

- Bjerregaard, B. & Cochran, J. K. (2008), «A Cross-national test of institutional anomie theory: Do the strength of other social institutions mediate or moderate the effects of the economy on the rate of crime»? **Western Criminology Review**, No 9 (1): 31– 48.
- Boers, K. (2003), Crime, fear of crime and the operation of crime control in the light of victim surveys and other empirical studies, Paper presented at 22nd criminological research conference. Stasbourg.
- Cheeseman, G. & Kattle, J. (1990), **the new Australian militarism: undermining our future security**. Pluto press.
- Ferraro, K. (1996), «Woman fear of victimization: Shadow of sexual assault»? **Social forces**, No 75 (2): 667–690.
- Ferraro, K. F & La Grange, R. L. (1987), «The measurement of fear of crime», **Sociological inquiry**, No 57 (1): 70-97.
- Ferguson, K. M, & Mindelm C, H. (2007), «Modeling fear of crime in dallas neighborhoods: A test of social capital theory», **Crime & delinquency**, No 53: 332-345.
- Gabriel, U. & Greve, W. (2003), «The psychology of fear of crime: conceptual and methodological perspectives», **British journal of criminology**, No 43 (3): 600-614.
- Garfield, E. (1987), «The anomie-deviant behavior connection: The theories of Durkheim, Merton, and Srole», **Essays of an information scientist**, 10 (39): 272 – 281.
- Jackson, j. (2006), «Introducing fear of crime to risk research», **risk analysis**. No 26 (1): 253-264.
- Karakus, O., Edmund, F., McGarrell, and Basibuyuk, O. (2010), «Fear of crime among citizens of Turkey», **Journal of Criminal Justice**, No 38:174–184.
- Killias, M. & Clerici, Ch. (2000), «Different measures of vulnerability in their relation to different dimensions of fear of crime», **The british journal of criminology**, 40 (3): 437-450.
- Lindstrom, M & Other (2008), «Social capital, anticipated ethnic discrimination and self-reported psychological health», **social science & Medicin**, No 66 (1): 1-13.
- McCrea, R; Shyy, T.; Western, J & Stimson, R. J. (2005), «Fear of crime in Brisbane: Social and neighbourhood factors in perspective», **Journal of sociology**, 2005 The Australian sociology association, No 41 (1):7-27.
- Messner, S. F; Baumer, E. p & Rosenfeld, R. (2004), «Dimensions of social capital and rates of criminal homicide», **American Sociological Review (ASR)**, 69 (6): 882-903.
- Messner, S. F & Rosenfeld, R. (1997), « Political restraint of the market and level of criminal homicide: A cross – national application of institutional – anomie theory», the university of North Carolina Press, **Social forces**, No 75 (4): 1393 – 1416.
- Misztal, B. (1996), **Trust in modern society**, Cambridge, Polity press.
- Moller, B. (2000), **National, societal and human security**: Discussion-Case study of the Israel- Palestine Conflict.
- Newman, O. (1973), **Defensible space: People and design in the violent City**, London, Architectural press.
- Roe, P. (1996), **The societal security dilemma**, Copenhagen peace research institute (COPRI) working papers.
- Rose, D. A & Clear, T. R. (1998), «Incarceration, social capital, and crime: Implications for social disorganization theory», **Criminology**, No 36 (3): 441 - 480.
- Satterfield, T. A, Mertz, C. K. & Slovic, P. (2004), «Discrimination, vulnerability, and justice in the face of risk», **Risk analysis**, No 24 (1): 115- 129.
- Schneier, B. (2008). **The psychology of security**. <http://www.schneier.com/essay-155.html>.
- Stanko, E. (1992), «The case of fearful woman: Gender, personal safety and fear of crime», **woman and criminal Justice**, No 4: 117-135.

- Will, J. A. & McGrath J. H. (1995), «Crime, neighborhood Perceptions, and the underclass: The relationship between fear of crime and class position», **Journal of Criminal Justice**, No 23 (2): 163-179.